[و] گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (121) پروردگار موسى و هارون. (122) فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما رخصت دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً این نیرنگى است که در شهر به راه انداخته‌اید تا مردمش را از آن بیرون کنید. پس به زودى خواهید دانست.» (123) دستها و پاهایتان را یکى از چپ و یکى از راست خواهم برید سپس همه شما را به دار خواهم آویخت. (124) گفتند: «ما به سوى پروردگارمان بازخواهیم گشت. (125) و تو جز براى این ما را به کیفر نمى‌رسانى که ما به معجزات پروردگارمان -وقتى براى ما آمد- ایمان آوردیم. پروردگارا، بر ما شکیبایى فرو ریز و ما را مسلمان بمیران.» (126) و سران قوم فرعون گفتند: «آیا موسى و قومش را رها مى‌کنى تا در این سرزمین فساد کنند و [موسى‌] تو و خدایانت را رها کند؟» [فرعون‌] گفت: «بزودى پسرانشان را مى‌کُشیم و زنانشان را زنده نگاه مى‌داریم، و ما بر آنان مسلطیم.» (127) موسى به قوم خود گفت: «از خدا یارى جویید و پایدارى ورزید، که زمین از آنِ خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد مى‌دهد؛ و فرجام [نیک‌] براى پرهیزگاران است.» (128) [قوم موسى‌] گفتند: «پیش از آنکه تو نزد ما بیایى و [حتى‌] بعد از آنکه به سوى ما آمدى مورد آزار قرار گرفتیم.» گفت: «امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روى زمین جانشین [آنان ]سازد؛ آنگاه بنگرد تا چگونه عمل مى‌کنید.» (129) و در حقیقت، ما فرعونیان را به خشکسالى و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند. (130)